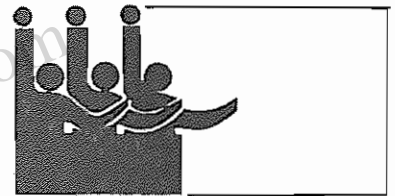


باعث شد که نقشه‌ی شوم ایورونیسنهای راه‌کارگر مبنی بر هموار ساختن راه برای متحدین اکثریتی خود نقش بر آب شود.

فرانکفورت - سومین کنگره‌ی فدراسیون کارگران میهن پرست و کانونهای فرهنگ‌ی کردستان در آلمان (FEYKA) در تاریخ ۱۲ و ۱۳ ماه آوریل با شرکت نمایندگان کردهای مقیم آلمان، در فرانکفورت برگزار شد. هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز به دعوت برگزار کنندگان این کنگره به عنوان ناظر در این کنگره شرکت کردند و با ارسال پیام، همبستگی و همکاری مبارزاتی خویش را با جنبش انقلابی خلق کرد و سازمانهای رزمنده و انقلابی آن اعلام داشتند. □



اتریش

وین - در برگزاری جشن اول ماه مه روز جهانی کارگر، سازمان دانشجویان ایرانی وین - اتریش هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با شرکت خود در این مراسم همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان به نمایش گذارد. در مسیر راهپیمایی از سوی پایتخت صدها اعلامیه و خواندن قطعنامه در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی و اعلام مواضع سچفا توجه ناظران بر این مراسم را جلب کردند و از طرف دیگر جمع‌آوری کمکهای مالی پرداختند. این مراسم که با همکاری مشترک هواداران چریکهای فدایی خلق (ارتش رهاییبخش) برگزار گردید در دفاع از مطالبات کارگران میهنان و افشای چهره‌ی کریه رژیم جمهوری اسلامی با موفقیت خاتمه پذیرفت. □

کانادا

مونترال - اول ماه مه روز جهانی کارگر با شرکت بیش از دوهزار و یانصد نفر در مونترال - کانادا برگزار شد. این برنامه از محل دانشگاه کبک (Quebec) (شعبه‌ی مونترال) آغاز شد. هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با شرکت فعال خود ضمن حمل آرم سازمان، شعارهایی در اتحاد و همبستگی

با کارگران جهان، بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همچنین بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌دادند و با یخش ۵۰۰ اعلامیه به زبان فرانسه ماهیت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی ایران را برای همگان افشا کردند.

در پایان این راهپیمایی تاریخچه‌ی روز اول ماه مه توسط غنرمندان چندین اتحادیه‌ی کارگری در مونترال بر روی صحنه آمد که مورد استقبال فرار گرفت. □



هند

امسال، یکصدمین سالگرد تاریخی اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان، از طرف نیروهای مترقی و کارگران و رهنمویان هند، با تکیه زیادی بر این گردید. به همین مناسبت سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سچفا با شرکت در تظاهرات و برنامه‌های مختلف، با پخش اعلامیه و جزوات و نشریات مختلف و برگزاری نمایشگاه عکس ضمن گرامی‌داشت این روز تاریخی، به معرفی مواضع انقلابی سچفا و افشای سرچه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و سایر آلترناتیوهای سرمایه

برداخت

بنگلور - در روز اول ماه مه، رفقای هوادار، در تظاهراتی که نیروهای معرفی این شهر ترتیب داده بودند، با حمل آرم و شعارهای محوری سازمان شرکت کرده، با یخش اعلامیه به زبانهای محلی و انگلیسی، ضمن گرامی‌داشت اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران به افشای ماهیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پرداختند. رفقای هوادار همچنین با شرکت در برنامه‌ای که از طرف " اتحاد مرکزی سوسیالیستهای هند " برپا شده بود ضمن فرائت پیام همبستگی، نمایشگاه عکسی که افشاگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی بود، برپا کردند. میسور - به مناسبت یکصدمین

انقلابی ترکیه، ایرلند، شیلی و آفریقای جنوبی و همچنین رقصهای محلی کردی توسط گروههای شرکت کننده اجرا شد. در پایان جلسه سرود انترناسیونال به زبانهای مختلف به طور دسته جمعی توسط نیروهای شرکت کننده اجرا شد.



منچستر - روز شنبه سوم ماه مه ۱۹۸۶ تظاهراتی به منظر اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سچفا در شهر منچستر برگزار شد. تظاهرکنندگان در طول راهپیمایی با شعارهای کوبندهی "زندانی سیاسی در ایران آزاد باید گردد"، "مرک بر رژیم جمهوری اسلامی"، "مرک بر امپریالیسم، زنده باد سوسیالیسم"، "زنده باد همبستگی بین المللی" و "و... به زبان انگلیسی و حمل یلاکاردهایی به افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداختند. در طول تظاهرات تعداد کثیری اعلامیه های افشاگرانه از طرف رفقای هوادار در میان مردم شهر توزیع شد. این تظاهرات به مدت یک ساعت به طول انجامید و در پایان قطعنامه ای تظاهرات خوانده شد.

در طول تظاهرات حضور جاسوسان مجامعین به طور آشکار به چشم می خورد. اینان که مدتهاست میدان مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم را ترک گفته اند، با آخرین "شاعکار" خود، با انتشار اسامی رفقای عضو سازمان و عکسهای هواداران سازمان در خارج از کشور به جاسوسان ارنجاع داخلی و امپریالیسم تبدیل گشته اند، اینبار نیز دستگاههای جاسوسی خود را در شناسایی افراد شرکت کننده در تظاهرات روز شنبه سوم مه به کار انداختند. اینان که سعی در مخفی نگه داشتن حضور خود داشتند، به طوری که به شکل مسخره ای خاطره ای جاسوسان ساواک شاه و ساوامای جمهوری اسلامی را در اذهان زنده می کرد، به شناسایی

برگزار شد. در این جلسه پیام رفقای میر شیلی، کمیته ی همبستگی با خلق کرد، کمیته ی همبستگی با خلقهای ترکیه، کانون زنان ایرلندی و دیگر نیروهای شرکت کننده به مناسبت روز اول ماه مه خوانده شد. در طول جلسه سرودهای

فدراسیون دموکراتیک جوانان هند برپا شد. رفقای هوادار با برپایی میز تشریفات و پخش اعلامیه، جزوات و کتابهای مختلف به تبلیغ مواضع سازمان پرداختند.

در آخرین روز هفته ی بزرگداشت، که به سمینار در مورد نقش طبقه ی کارگر و جنایات امپریالیسم اختصاص داشت، رفقای هوادار در قسمت فرسنگی آن ویدیو نمایشنامه ی "مرک بر امپریالیسم" ساخته ی سعید سلطانیور را با مقدمه ای بر آن در مورد زندگی مبارزاتی سعید سلطانیور و نقش او در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اپورتونیستهای توده ای - اکثریتی، برای بیش از ۳۰۰ تن از شرکت کنندگان نمایش دادند که مورد استقبال زیادی قرار گرفت. □

لندن - در دوم ماه مه، جلسه ای به مناسبت روز اول ماه، روز جهانی کارگر توسط هواداران سازمان و دیگر نیروهای مترقی خارجی از جمله جنبش آگامی سیاهان آفریقای جنوبی، کمیته ی همبستگی با خلق ترکیه و میر شیلی

سالگرد اول ماه مه، احزاب و نیروهای مترقی این شهر یک هفته به بزرگداشت این روز تاریخی پرداختند. در اولین روز نیروهای مترقی عندی تظاهراتی برپا کردند. رفقای هوادار سازمان و هواداران جبهه ی خلق برای آزادی فلسطین نیز در این تظاهرات شرکت کردند. در طول راهپیمایی رفقای هوادار با پخش اعلامیه به زبانهای محلی و انگلیسی و تبلیغ مواضع سازمان و ضرورت استقلال طبقاتی و رعبری طبقه ی کارگر در انقلاب، پرداختند. خبر این تظاهرات در روزنامه های محلی این شهر منعکس گشت.

در پی این تظاهرات، در تئاتر شهر (محل برنامه) نمایشگاه عکسی توسط رفقای هوادار سازمان، هواداران جبهه ی خلق برای آزادی فلسطین، و



عند



تظارکنندگان مشغول بودند و در طول مسیر تظاهرات، در اتومبیلهای آخرین مدل خود به رفت و آمدهای مکرر مشغول بودند. خادمین ارتجاع داخلی و امپریالیسم، با فرستادن افرادی نزدیک به صفوف تظارکنندگان مشغول عکس گرفتن از مبارزین ایرانی بودند تا بیروندهای پلیسی و ساواک گونه‌ی خود را تکمیل کنند. بنا به گزارش یکی از رفقای انتظامات، یکی از عکاسان یک فرد انگلیسی بود. این شخص مزدور با سؤال بیچ شدن از طرف رفقای انتظامات اقرار کرد که از طرف مجاهدین در مقابل دریافت مبلغی اجیرگشته است. اما فضای تظاهرات همچنان پرشور و کوبنده بود و شعارهای شرکت کنندگان چون پتکی بر سر این جاسوسان خدمتگذار به ارتجاع فرود می‌آمد. مجاهدین بدانند که اینگونه اعمال پلیسی و ساواک پسند نه تنها هیچگونه

کریه ارتجاع، امپریالیسم و نوچه‌های تازه به میدان رسیده‌ی آنان، یعنی مجاهدین را افشا خواهیم کرد. □

خللی در صفوف هواداران سچفا وارد نخواهد آورد، بلکه ما مصمم از همیشه در جهت اهداف انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران، چهره‌ی

هاید پارک لندن

در ماه گذشته یورش سازمان مجاهدین به گردهمایی روزهای یکشنبه‌ی نیروهای سیاسی در هاید پارک لندن ادامه یافت. طی این مدت مجاهدین بار دیگر با استفاده از شیوه‌های شناخته شده‌ی فاشیستی سعی کردند سیاستهای ننگین رهبران ضد انقلابی خود را مبنی بر سرکوب نیروهای مخالف به پیش ببرند، اما به دلیل اتحاد برخی از نیروهای سیاسی باردیگر در انجام هدفهای شوخ خود ناکام ماندند. ورشکستگی وی‌بی‌آبرویی مجاهدین نا بدان حد بود که این سیاست‌ها حتی از سوی جریان‌هایی که در مقابل حرکت‌های فالتزگونه‌ی مجاهدین در هاید پارک عملاً به بی‌عملی و ندانم کاری دچار شده بودند، نیز محکوم شد و از این نظر سازمان مجاهدین با شکستی مفتضحانه و همه‌جانبه روبرو گردید.

لازم به یادآوری است در آخرین

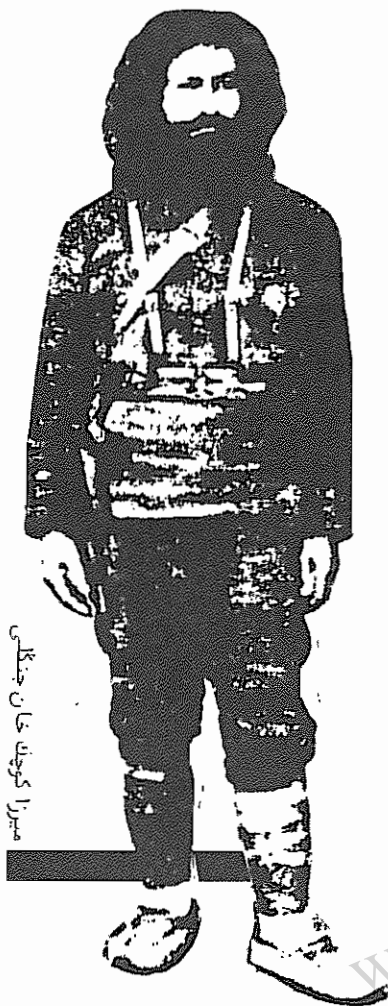
۳۴ ◀



اول ماه مه با مارکس

روز اول ماه مه امسال نیز، همچون سالهای اخیر، هواداران سازمان در انگلستان با گذاشتن دسته‌کلی که نام و آرم سازمان بر آن نقش بسته بود بر مزار مارکس، آموزگار بیرونیاری جهان، این روز را گرامی داشتند.

درگرمی داشت سالروز تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان



میرزا کوچک خان جنگلی

نیز که تحلیل مثبتی از مبارزات جنگلیها داشتند تصمیم به تقویت پیوندهای خود با این جنبش گرفتند. مسته‌مای اولیه‌ی حزب عدالت، که بعدها تحت نام حزب کمونیست ایران در داخل کشور فعالیت می‌کرد، از سالهای ۱۹۰۵-۶ در مناطق قفقاز روسیه بین کارگران مهاجر فعال بودند. رهبری عدالت که تنها در سال ۱۹۱۷ شکل حزبی به خود گرفت، به عهده‌ی اسدالله غفارزاده بود و کمیته‌ی مرکزی آن را کمونیستهای سرشناسی چون احمد سلطانزاده (اویس میکائیلیان)، میرجعفر جوادزاده (پیشه‌وری) و چهارتن از برادران آفایف تشکیل می‌دادند. این حزب نقش فعالی در جریان انقلاب ۱۹۱۷ در باکو و مناطق قفقاز آذربایجان روسیه ایفا کرد و تا سال ۱۹۱۸ عضویتی متجاوز از ۴۰۰۰ نفر داشت.

در همین سال، غفارزاده به دنبال برقراری سلسله تماسهایی با میرزا کوچک‌خان برای ملاقات با وی عازم گیلان می‌شود که در راه به قتل می‌رسد. اما پس از کشته شدن غفارزاده تماسهای بین جنبش جنگل و حزب کمونیست (عدالت) ادامه یافت. بسیاری از کمونیستهای باتجربه به این جنبش پیوستند. شعبه‌های حزب کمونیست در شهرهای مختلف گیلان تاسیس شده به امر روشنگری اجتماعی و تبلیغ نقطه نظرات سوسیالیستی و توضیح دست آوردعای انقلاب اکبر می‌پرداختند. در این میان نقش نشریات حزب، چون نشریه‌ی " بیرق " و " حریت "، از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود.

چهاردم خرداد مصادف است با شصت و ششمین سالگرد اعلام جمهوری سوسیالیستی گیلان. جمهوری گیلان که به دنبال پیوستن سوسیال‌دموکراتهای ایرانی منشکل در حزب کمونیست ایران (عدالت باکو)، دموکراتهای تهران و برخی انقلابیون کرد و آذری به جنبش جنگل شکل گرفت، نبلور تلفیق جنبش سوسیال دموکراسی و مبارزات ضد استعماری - ضد استعماری دوران مشروطیت در ایران بود. رهبران جمهوری گیلان در زمره‌ی زنده‌ترین انقلابیون آن عصر بودند که در انقلاب مشروطیت، انقلابات روسیه و مبارزه علیه نفوذ امپریالیسم روس و انگلیس سالها کسب تجربه کرده بودند.

جنبش جنگل تحت رهبری میرزا کوچک خان مدتها بود که در گیلان مبارزه‌ی گسترده‌ای را علیه دولت مرکزی و خانهای محلی آغاز کرده بود. کوچک‌خان که اصلا فردی مذهبی بود، در سال ۱۲۹۱ کمیته‌ی اتحاد اسلامی را به منظور مقابله با نفوذ قدرتهای خارجی، به‌خصوص امپریالیسم انگلیس، در ایران، بنیاد گذاشت. در سالهای جنگ جهانی اول کوچک‌خان با دریافت کمک از دولت عثمانی موفق شد نیروی متلی وسیعی در گیلان فراهم آورده، اکثر مناطق این خطه را تحت کنترل خود درآورد. پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه این جنبش از انسجام و دورنمای سیاسی بهتری برخوردار شد و کوچک‌خان درصدد جلب حمایت دولت انقلابی برآمد. کمونیستهای ایرانی مفیم باکو

فعالینهای کمونیستها و تبلیغات آنان باعث حصول تحولت ژرفی در جنبش جنگل شد. این جنبش که تا آن زمان عمدتا از خرده‌مالکان، دهقانان و نجار محلی تشکیل می‌شد و برنامه‌ی سیاسی آن فراتر از خلع ید از خانها و حکام وابسته به دولت فاجار و مبارزه علیه نفوذ انگلیس نبود، تحت تاثیر مبارزات آگاه‌گرانه‌ی سوسیال دموکراتها، خواستهایی همچون اصلاحات ارضی، رفاه اجتماعی، آموزش و بهداشت عمگانی، آزادیهای دموکراتیک و سرنگونی دولت مرکزی را طرح کرد. پیوستن نیروهای مسلح کرد تحت فرماندگی خالوقربان و عده‌ی زیادی از انقلابیون و دموکراتهای آذربایجان تحت رهبری احسان‌الله‌خان و حیدرخان

عمواغلی به جنبش جنگل، جنگلیها را تبدیل به نیروی عظیمی ساخت که نه‌پیدی جدی برای حکومت مرکزی ایجاد می‌کردند. جنگلیها با معماری متحدین سوسیال دموکرات ضمن وارد آوردن ضربانی به نیروهای قزاق و نظامیان انگلیسی در منطقه و خلع سلاح آنان دست به اصلاحات زیادی در مناطق تحت نفوذ خود می‌زدند. تا بهار سال ۱۲۹۹ انقلابیون بخش اعظم کیلان و قسمتهایی از مازندران را ضمیمه‌ی مناطق آزاد شده کرده‌بودند. انقلابیون همچنین همکاری نزدیکی با نیروهای ارتش سرخ شوروی در امر دستگیری و خلع سلاح عوامل ضدانقلاب روس و نیروهای ارتش تزاری داشتند. در اردیبهشت سال ۱۲۹۹ یک واحد از ارتش سرخ که در تعقیب نیروهای ضدانقلاب بود وارد بندر انزلی شد که مورد استقبال انقلابیون جنگل واقع شد. نیروهای ارتش سرخ همچنین مقداری اسلحه و تجهیزات برای عمرزمان ایرانی به خودبه آنان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. بالاخره با تسخیر شهر رشت و راندن نیروهای نظامی انگلیسی از این شهر در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۲۹۹ تشکیل جمهوری سوسیالیستی کیلان از سوی میرزا کوچک خان جنگلی اعلام شد. کوچک خان بلافاصله یک دولت موقت انقلابی را که متشکل از عشت کمیساریای انقلابی بود به عنوان دولت جمهوری معرفی کرد. او همچنین با ارسال تلگرافی برای لنین ضمن اعلام پشتیبانی از اهداف و آرمانهای انقلابی انترناسیونال سوم و همبستگی با دولت اتحاد جماهیر شوروی، خواستار کمکهای این دولت در جهت مبارزه علیه ستمگران داخلی و انگلیسی شد. پیشه‌وری در دولت انقلابی عهده‌دار کمیساریای خارجه و احسان‌الله‌خان فرماندهی ارتش سرخ را عهده‌دار بود. یکی از اولین مصوبات دولت انقلابی کیلان مصادره‌ی کلبه‌ی زمینهای



حیدر عمواغلی
در لباس افسری ژاندارم

به دنبال تشکیل جمهوری در کیلان حزب کمونیست ایران اولین کنکری خود را با شرکت ۴۸ نماینده در بندر انزلی برگزار کرد. در این کنکری حزب برنامه‌ی پیشتهدی سلطانزاده را در مقابل برنامه‌ی ارائه شده از طرف حیدر عمواغلی به عنوان برنامه‌ی حزبی برگزید. ضمناً سلطانزاده در همین نشست به سمت دبیر اول حزب انتخاب شد. اما چندی نگذشت که روابط بین میرزا کوچک خان و کمونیستها رو به سردی نهاد. برخی تاریخ‌نگاران علت این امر را در رشد سریع محبوبیت حزب بین دهقانان و زحمتکشان کیلان و احساس خطر میرزا از این امر می‌دانند و برخی دیگر سیاستهای مذمب ستیزی و مصادره‌های گسترده از جانب کمونیستها، که باعث رنجش و وحشت جناحهای محافظه‌کار و مذهبی جنبش جنگل شده بود را علت پیدایش نفاق ارزیابی می‌کنند و بالاخره برخی دیگر معتقدند که دولت مستیرالدوله با استفاده جویی از اختلافات بین میرزا کوچک خان و کمونیستها و با دادن وعده و وعیدهایی او را نسبت به انقلابیون بدبین ساخته و بالاخره اسباب جدایی آنان را فراهم آورده است. ارزیابی از این نظریه‌ها و احتمالاً بررسی دیگر عوامل دخیل در این جدایی از حوصله‌ی این مختصر خارج است. آنچه قابل ذکر است آن است که در طی عمر کوتاه جمهوری کیلان جنبش کمونیستی ایران تجارب بسیار گرانبهایی اندوخت. نظریات و تزغای کمونیستهای ایرانی که در جلسات کمینترن و کنفرانسهای خلقهای خاور مورد بحث قرار می‌گرفتند نشانگر درجه‌ی ژرفای شوریک و زندگی مبارزات آنان بود. تجارب جنبش جنگل، دست‌آوردها و کاستی‌های آن مدنها مورد بحث نمایندگان شرکت کننده در کمینترن و احزاب انقلابی خاورزمین قرار داشت و آموخته‌های آن در کشورهای مختلف مورد استفاده‌ی جنبشهای انقلابی بود. ■

کشاورزی و تقسیم آن بین دهقانان و انقلابیون بود. اصلاحات ارضی در کیلان شرایط جذب وسیع دهقانان را فراهم آورد. حتی خیل عظیمی از دهقانان مازندران به منظور پیوستن به نیروهای انقلابی، مناطق خود را ترک کرده به رشت می‌آمدند تا در ارتش سرخ ثبت نام کنند. سلطانزاده در این باره می‌نویسد: " دو ماه پیش ما نام نویسی در ارتش سرخ ایران را آغاز کردیم. تعداد داوطلبین آنقدر کثیر بود که ما ناچار نام نویسی را متوقف ساختیم، زیرا از نظر فنی این امکان را نداشتیم که همه‌ی داوطلبین را به اندازه‌ی کافی آماده سازیم" (اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد ۴، ص ۴۹)

شعری بلند از ولادیمیر مایاکوفسکی



ترجمه: ا. خونی

۵ ماه مه زاد روز کارل مارکس، بنیانگذار کمونیسم علمی است. ما برای گرامیداشت این روز، بخشی از شعر بلند لنین اثر مایاکوفسکی را در این شماره‌ی جهان درج می‌کنیم. لازم به یادآوری است که در شماره‌های پیش جهان بخشهای دیگری از این شعر چاپ شده بود.

آن که ما می‌بینیم ،

تخته‌بند مرم

یا گچسک ،

پیرمردی می‌نماید

که دیگر دیریست تا فرا گذشته‌ست

از پروای صلح و جنگ •

ولی، به زمانی که کارگران

– مشتای اما بر تشویش –

نخستین گام‌های کوتاه را

برمی‌داشتند

در راه انقلابی خویش،

چه سترک و چه درخسان بود

کوره‌ای که مارکس

از دل و از جان خود

برگشود •

انگار

نوبت اندر نوبت

جان‌کنده بود

خود

در عر کارخانه‌ای •

و، همچنان که دست‌هایش

از آزمودنِ سرکاری و عر افزاری

پینه می‌بست،

مارکس رسوا کرد

دله دردان ارزش اضافی را

با کیسه‌ی نقدینه‌شان در دست •

دداں زمان که دیگران،

عمر سرمایه را

زمان

می‌سود و می‌فرسود،

بدانسان که کمانه‌های الکتریکی

فولاد را

می‌ساید و می‌فرساید؛

نا،

زمان،

سرانجام ،

مردی فرازاد

کارل مارکس به نام و

برادر بزرگتر لنین

در یویه و پیام •

مارکس !

نرمش ناپدید بودن تصویر چهره‌اش

در قابی از ریش و موی خاکستری

نکته را به خود می‌گیرد •

چه شکافی، اما،

میان تصویرها و

زندگانی او !

با نگاه‌هاشان خاضعانه دوخنه بر زمین
تن می‌زدند
از این که تا نافِ سوداگران نیز،
حتا،
قد راست کنند،
مارکس بر آن شد
تا پرولتاریا را رعبری کند
به جنک طبقاتی:
برای کشتن کُساله‌ی زرین
که عم آن زمان تیز دیگر
نر گاوی بود
جنک آور و ننومند.

روزی،
خواهد آمد
او
آن نابغه‌ی عمل،
آن مرد؛
و رعبری‌تان خواهد کرد
از کتاب‌ها
تا
میدان‌های نبرد.
بدانگاه که واپسین کتاب خود را
با انگشتانی لرزان
می‌نگاشت،

بر ساحل سبز کمونسیم،
عنوزمه آلوده
با رازهای کور کننده،
می‌پنداشنیم
از این دوزخ
تنها امواج حادثه
برخواستندمان افکنند.

می‌دانم من،
مارکس
رویای کرملین را
و پرچم کمون را
در آسمان مسکو
فراچشم خویشتن می‌داشت.

مارکس
اما،
رؤف‌ترین قانونهای تاریخ را
آشکارا کرد؛
و پرولتاریا را
ناخدا کرد.

سایها،
چون عنبدوانه‌نای رسیده،
از راه آمده‌اند.
کار،
سرانجام،
از کودکی
به در می‌آمد.

نه!
کتابهای مارکس
عمین مرکب و کاغذ نیستند
و نه عمین دستنوشته‌هایی غبار گرفته،
با رقم‌های آماری دلازار.

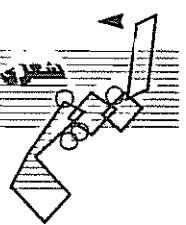
سنگرمای سرمایه
شکستنی‌تر می‌شدند
عم چندان که خیزاب پرولتاریا
چالاک‌تر و تواناتر
بر می‌آمد.

کتابهای او
نظم به ارمنان آورد
برای صف‌های ستیپنده‌ی کار
و به پیش رعبری‌شان کرد،
از ایمان و از توان سرشار.

دیگر بیش از چند سالی
یا بیشترک
نخواهد پایید
کز اشارات تند باد
نوفانها بارور خواهد گردید.

رعبری‌شان کرد و
با ایشان گفت:
"خون بریزید در بیکار!
حقیقت نظریه‌ما را
برعانی نیست
مگر واقعیت کردار." "

از اوج خشم
قیامها برخواهند دمید،
و زبیری آنها
انقلابها زبانه خواهند کتید.
ناگهانی و کوبنده‌ست



روشهای سبانه: یوروزازی*
له شده
با چخماق انسانکش تی پرس و گالیفت*

طبقه‌ی کارگر
سراسر
در مشتی درشت
با هم
گره بخورد*

برخی خواهند گفت:

" ما رهبران ! "

آنگاه روی خواهند گرداند و خواهند گزیند*

بیاموزید

تا

در زیر واژه‌ها

پیوست خوش خط و خال را

ببینید !

رهبری خواهد آمد

که سراپا از آن ما خواهد بود :

راست همچون خط‌های راه آهن،

ساده همچون نان،

و آماده برای رفتن

تا مهر فرازو عمر فرود*

از یاریس،

از دیوار پلانشز**

سایه‌های مردان کمون

عنوز غریبو برمی‌کشند :

" بنگرید و بشنوید،

رفیقان !

بیاموزید

از سرنگون شدن ما

وای بر رزم آوران تنها !

هیچکس مباد از شما

که درس ما را

از یاد ببرد*

تنها با حزب است

که کار دشمن را

یکسره می‌توان کرد :

حزبی که در آن

* تی پرس و ژئرال گالیفت از رهبران مبارزه برضد کمون یاریس*

** پلانشز، گورستانی در یاریس که آرامگاه کمونارها است.



جمهوری اسلامی

اون جماعتی که از کرسنگی مردن پیدا میشدن، آدمایی که نماز و روزه سون فضا نشده بود، اما ...

صادق نوی حرفش بیرید:
- پس شما که سر منبر گفتین آ شیخ مد باقر عدل برقرار کرده بود ! شما که گفتین کسی جرات نمیکرد به کسی زور بگه ! من میگم چرا تو اون جماعتی که از کسنگی سک کش شدن به آدم پولدار نبود ؟ چرا آقایان کبابی‌ها ما به بخیعی پولدارای شهر و فامیلاتون حتی ککشون نگزید ؟ چرا آ شیخ مد باقر و بخیعی ...

آخوند اوضاع را بد جوری پس دید*
نگذاشت صادق حرفش را تمام کند:
- مومن، چه حرفا میزنی ! اگه

منبر ازش حرف میزدی از کدوم کوجه پس کوجه‌ای رد میشد که بوی لاش به دماغش نمی‌خورد و بدبختی و گرانی و کسنگی رو نمیدید ؟ نکنه معمش تو خیابون بین‌النهرین می‌گردیده و از کوجه‌ها بی‌خبر بوده ؟!

آخوند بارها توی حواب سئوالها و مساله‌های مردم مانده بود و عر بار با کلکی از شرشان آسوده شده بود اما این یکی چیز دیگری بود زور لب و با صدای بلند بر دل سیاه شیطان لعنت فرستاد و به دنبالش گفت:

- مومن، این امتحان حق باریتعالی بود* خدا میخواست بنده‌هاشو امتحان کنه* خب، خیلی از آدمای خوب تو

صدای آخوند سینوانست میان عجمو ضرباعنک چکشهای نامرتب حلبی‌سازها و فریاد سندانها، که از میانه‌ی بازار راه به بیرون می‌جست و تلاش می‌کرد تمامی شهر را بر سر بگردد، خودی شما یاند* آخوند بد جوری قافه را ساخته بود*

شوق خنده شد و سر لبهای حس جا خوش کرد* یکی دو نفر شگفت زده لب بر چیدند* چند نفری به تحیر سر جنبانندند و، به جز بیواز و سماخوی چند تنی که دور و سر آخوند را گرفته بودند، بغیه صلوات بی‌صدایی بدرقه‌ی آخوند کردند و پراکنده شدند*

آخوند، رنگ باخته و غراسا، از بغل دست صابن جستی زد و با چابکی سه‌میان بازار خزید* صادق به‌طرف دنگانش برگشت و با پوزخندی که دلش را خنک می‌کرد و کینه‌اش را می‌اناستت و می‌رفت تا سگرمه‌عایش را از هم بکشد زیر لب فر زد:

- بیا مادر قحبه ! فردا بیا ! اما کدوم فردا ؟ فردا مال منه، فردای تو هیچ وقت نمیداد ...

نمی‌ساختند دور از جونت و بلا ناست میگفتم یا مصدفی هستی یا بهایی و زندیقی، اما خوب می‌شناختم و میدونم چقدر مومن و سر برعاسی ...

دل صادق عری پایین ریخت، اما خودش را نباخت* غیظ ترس را نوی وجودش می‌کشت* دوباره پیوزند زد و گفت:

- دوره‌ی این حرفا خیلی وقته گذشته، آقا ! من به چیردیگه بیرسیدم ... آخوند سیچاره سد* آخرین کلکش عم که می‌رفت اثر بخشد به دیوار غیظ صادق خورد و فرو ریخت* نگامی ملتس به اطرافیان بهت زده‌اش انداخت* من و منی کرد* دست روی شانه‌ی صادق گذاشت و با مهریانی و سترمی او را کنار زد* چند گامی برداشت و به‌دمنه‌ی بازار حلبی‌سازها رسید، اما صادق از سر راهش کنار نمی‌رفت* آخوند یا سست کرد* نوی بد تله‌ای افتاده بود* یک دفعه فکری به خاطرش رسید* سعی کرد فریاد سزند :

- ممام که جوابتو بدم، مومن ... فردا ... من ... نمی‌تونم ... منبر ... منبر بعدی ...

حالا دیگه بلند گوئی در کار نبود و

چگونگی برخورد لنین و دولت جوان شوروی بادی‌ن

قانونگذاری

دولت شوروی بر ضد دین

دولت شوروی از همان نخستین روزهای بر سر کار آمدن با یک رشته مانورهای انقلابی بنیانه‌ی مادی و معنوی کلیسا را به لرزه درآورد. یکی از نخستین گام‌های دولت شوروی در این زمینه مصادره‌ی املاک متعلق به کلیسا بود. کلیسای ارتدکس روسیه پس از خانواده‌ی نزار بزرگترین زمیندار امپراتوری روسیه بود و میلیون‌ها دهقان روسی را مستقیماً استثمار می‌کرد. لنین و حزب بلشویک از این نقش اقتصادی بسیار مهم کلیسا در روسیه با اطلاع بودند و از همان اوایل تشکیل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مصادره‌ی املاک کلیسا و صومعه‌ها را به عنوان یکی از نخستین وظیفه‌های دولت انقلابی در برنامه‌ی حزب گنجانده‌اند. از این رو، یکی از نخستین گام‌های دولت جدید صدور فرمان معروف زمین بود که لنین شخصاً آن را نوشت. طبق این فرمان که در روز ۲۶ اکتبر، یعنی یک روز پس از پیروزی انقلاب اکتبر، صادر شد زمینداران بزرگ در روسیه لغو شد و کلیه‌ی زمینهای متعلق به کلیسا و صومعه‌ها و سایر زمینهای بزرگ مصادره گردید. این اقدام دولت شوروی ضربه‌ی بسیار مهلکی به کلیسا وارد کرد و آن را از یکی از مهم‌ترین ابزارهای مادی‌اش محروم ساخت. با اجرا شدن این فرمان حدود دو و یک چهارم میلیون هکتار از زمینهای متعلق به کلیسا تا سال ۱۹۲۰ مصادره شد. فرمان زمین گرچه ضربه‌ی بسیار مهلکی بر کلیسا وارد کرد، ولی فرمانی

پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه و کسب قدرت سیاسی به وسیله‌ی بیروتاریا، امکانات گسترده‌ای را در اختیار دولت جوان شوروی و حزب بلشویک قرار داد تا مبارزه‌ی پیگیر و سیستماتیکی را علیه دین، چون یکی از افزارهای مهم پاسداری از نظام کهن و مظهر جهل و تاریکی، آغاز کنند. کلیسا نیز، به نوبه‌ی خود، چون یکی از پایه‌های مهم نظام بهره‌کشی انسان از انسان و چون آخرین پایگاه طبقات استثمارگر از فردای تشکیل شدن قدرت بیروتاری در روسیه مبارزه‌ی همه‌جانبه‌ای را علیه دولت جدید و بران‌بازگرداندن نظام بهره‌کشی و نزاربسم آغاز کرد.

بلشویکها برای مبارزه با دین از روشهای گوناگونی سود جستند که به طور خلاصه عبارتند از: ۱- قانونگذاری ۲- تبلیغ و ترویج ۳- تلاش برای ایجاد شکاف در کلیسا ۴- استفاده از قهر انقلابی و جز اینها. لنین در نام این موارد نقش اساسی ایفا کرد. ما در این شماره‌ی جهان تلاش می‌کنیم تا روش اول، یعنی قانونگذاری دولت شوروی علیه دین، را در چند سال اول پس از پیروزی انقلاب اکتبر مورد بررسی قرار دهیم. در شماره‌ی بعد جهان بقیه‌ی روشها و همچنین عکس‌العمل کلیسا را بررسی خواهیم کرد.

در ادامه‌ی سلسله مقاله‌های "مبارزه‌ی قاطعانه با دین"، از این شماره‌ی جهان تلاش می‌کنیم تا چگونگی مبارزه‌ی عملی حزب بلشویک و دولت شوروی را بر ضد کلیسا در سالهای اول پس از پیروزی انقلاب اکتبر بررسی

نمود که مستقیماً علیه دین صادر شده باشد. عدالت این فرمان نابودی زمینداری بزرگ در روسیه بود که کلیسا را نیز در برمی‌گرفت. اما پس از گذشت یک هفته از پیروزی انقلاب اکتبر اولین فرمان ضد کلیسا تحت عنوان "اعلامیه‌ی حقوق خلقهای روسیه" با امضای لنین (رئیس شورای کمیسارهای خلن) و اسنلین (کمیسار خلن) برای امور ملیتها) در تاریخ ۲ نوامبر صادر شد. طبق این اعلامیه کلیه امتیازات مذهبی و ملی لغو گردید. هدف اصلی این اعلامیه تضعیف کلیسای ارتدکس روسیه، یعنی کلیسای رسمی امپراتوری روسیه، بود. این اعلامیه موقعیت

برتر کلیسای ارتدکس را لغو کرد و کلیه دینها و فرقه‌های مذهبی را مساوی اعلام کرد.

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۱۷ فرمان دیگری به امضای لنین و لوناچارسکی (کمیسار تعلیمات عمومی) صادر شد که مطابق آن کلیه مدارس و موسسات آموزشی همراه با تمام اموال منقول و غیر منقول آنها از دست مقامات کلیسا خارج شد و در اختیار کمیساریات تعلیمات عمومی قرار گرفت.

دولت همچنین با صدور فرمانهایی در مورد روابط زن و شوهر اصلاحاتی به نفع زنان ایجاد کرد و دست کلیسا را در این امور کوتاه ساخت. فرمان

طلاق که در ۱۶ دسامبر صادر شد، ضمن به رسمیت شناختن حق مساوی طلاق برای زن و مرد، اعلام کرد که کلیسا به هیچوجه حق ندارد در این باره دخالت کند و طلاقی را که به وسیلهی مقامات مذهبی انجام می‌گرفت غیر قانونی اعلام کرد. دو روز بعد، یعنی در ۱۸ دسامبر، فرمان معروف "ازدواج، فرزندان و ثبت احوال" صادر شد. این فرمان باز هم از قدرت کلیسا و نهادهای دینی کاست. طبق این فرمان ازدواجهایی که در کلیسا انجام می‌گرفت قانونیت نداشتند. فرزندان نامشروع از حقوق مساوی با فرزندان مشروع برخوردار شدند، و امور مربوط به سجل و احوال از اختیار کلیسا خارج شد.^۱ مفاد این فرمانها بعداً در حقوق خانواده ۲۲ اکتبر ۱۹۱۸ گنجانده شد. در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۱۸ آلکساندرا کولونتای، کمیسار رفاه عمومی، با صدور فرمانی کلیه کتبه‌های مالی دولت به کلیسا، پرداخت حقوق به کشیشان و پرداخت مخارج برگزاری مراسم مذهبی را به کلی قطع کرد. این فرمان ضربهی جانکاه دیگری به کلیسا زد. لازم به تذکر است که کلیسا سالانه مبلغ ۳۵ میلیون روبل از دولت کمک مالی دریافت می‌کرد.^۲

قانون جدایی دین از دولت

سرانجام در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۱۸ فرمان معروف "در باره جدایی دین از دولت و نظام آموزشی از دین" صادر شد.^۳ این فرمان نقطه‌ی عطفی در مبارزات حزب بلشویک و دولت شوروی علیه دین محسوب می‌شود. طبق این فرمان کلیسا یکبار و برای همیشه از دولت جدا شد و بدین ترتیب زمینه‌های تضعیف و نابودی قطعی آن فراهم گردید. شورای کمیسارهای خلق در تاریخ ۱۱ دسامبر کمیته ویژه‌ای را به ریاست لوناچارسکی برای تهیهی طرح این فرمان تعیین کرده بود.

پس از اینکه طرح پیشنهادی این کمیته آماده شد، لنین آن را به دقت مورد بررسی قرار داد و کاستی‌های آن را برطرف کرد. او عنوان اولیهی این طرح را که "در باره آزادی وجدان، کلیسا و موسسات دینی" انتخاب شده بود، نامناسب یافت. لنین معتقد بود که اصل اساسی این فرمان نه آزادی وجدان بلکه جدایی کامل دین و کلیسا از دولت است. لنین در ۶ بند از ۱۳ بند این فرمان اصلاحات اساسی وارد کرد. در ۲۳ ژانویه شورای کمیسارهای خلق متن اصلاح شدهی این طرح را با عنوانی که لنین برایش انتخاب کرده بود، منتشر ساخت.^۴

فرمان جدایی دین از دولت پیوند هزارساله کلیسای ارتدکس و دولت روسیه را از عم گسست و بنیان نویی را برای نابودی کلیسا و ایجاد یک دولت غیر مذهبی بنا نهاد. طبق این فرمان کلیه اموال نهادهای مذهبی مصادره شد (بند ۱۳) و این نهادها از حق داشتن اموال و حقوق یک شخص حقوقی محروم شدند (بند ۱۲). بند ۹ این فرمان نیز نظام آموزشی را از کلیسا جدا اعلام می‌دارد و هرگونه آموزش مذهبی را در مدارس دولتی، عمومی و خصوصی ممنوع می‌کند. البته در این فرمان قید شده بود که شهروندان روسیه می‌توانند به طور خصوصی آموزش مذهبی داشته باشند. بعداً در ۳ مارس ۱۹۱۹ این بند فرمان اصلاح گردید و آموزش دینی به افراد پایین‌تر از ۱۸ سال ممنوع شد.^۵ اصل آزادی وجدان و اعتقاد به خرد دینی و یا عدم اعتقاد به سیخ دینی در این فرمان به رسمیت شناخته شد (بند ۳). همچنین شهروندان روسیه مجاز بودند که مراسم مذهبی خود را در صورتی که آسایش عمومی را برهم نزنند، به جای آورند (بند ۵) و برای این منظور اماکن عبادت در اختیار مجامع دینی قرار گرفت (پاراگراف دوم بند ۱۳). بدین ترتیب مشخص می‌شود که بلشویکها

بین مبارزه با کلیسا و مبارزه با تعصبات دینی توده‌های مردم تفاوت اساسی قایل بودند. آنان ضمن اینکه با تمام توان خود تلاش می‌کردند تا از قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کلیسا بکامند و زمینه‌های نابودی کامل آن را فراهم کنند، ولی به این مساله آگاه بودند که برای مبارزه با تعصبات دینی توده‌ها به آموزش و زمان احتیاج است. در هر صورت فرمان جدایی دین از دولت و نظام آموزشی از دین نمونه برجسته‌ای است از چگونگی تحقق عملی این شعار دیرین جنبش کمونیستی.^۶

چند ماه پس از صدور فرمان جدایی دین از دولت، کمیساریای خلق برای دادگستری در ۲۴ اوت ۱۹۱۸ مقررات اجرایی این فرمان را در ۳۵ ماده و یک پیوست انتشار داد که تا سال ۱۹۲۹ معتبر باقی ماند.^۷ نکات مهم این مقررات عبارتند از: کلیه مجامع دینی از حقوق یک شخص حقوقی محروم شدند (ماده ۲). هدف از این ماده آن بود که کلیسا و مجامع دینی دیگر نتوانند با برخورداری از حقوق یک شخص حقوقی اموال انباشت کنند. کلیه اموال کلیسا و سایر نهادهای دینی می‌بایست به شورای نمایندگان کارگران و دهقانان در محل انتقال یابد (ماده ۴). در مواد ۵ تا ۱۵ آمده است که کلیساها و سایر اماکنی که صرفاً برای عبادات مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ابتدا مصادره می‌شوند و سپس شورای نمایندگان کارگران و دهقانان محل آنها را تحت شرایط خاصی و بدون دریافت وجهی در اختیار نمایندگان فرقه‌های مذهبی قرار می‌دهد. سپس در ماده ۱۶ تاکید می‌شود که سایر اموال کلیسا و مجامع دینی دیگر که صرفاً برای سودآوری مورد استفاده قرار می‌گیرند همچون، ساختمانها، املاک، کارخانه‌های شمع سازی و سایر کارخانه‌ها، بیمارستانها، عتقاها،

و جز اینها فوراً مصادره شده، در اختیار شوراعای محلی قرار گیرند. در مواد ۴۰ تا ۴۲ مقرر می‌شود که کلیه‌ی وجوه نقدی کلیساها و سایر مجامع دینی مصادره شده، در اختیار شوراعای محلی قرار گیرد. در ماده‌ی ۴۳ تأکید می‌شود که هرگونه استفاده‌ی غیرمجاز از اموال دولتی یا وارد کردن خسارت به این اموال جرم محسوب می‌شود و مجرم محاکمه خواهد شد. کلیسا و سایر مجامع دینی موظف شدند که تمام دفاترهای مربوط به ثبت احوال شخصیه (تولد، ازدواج، مرگ و جز اینها) را به شوراعای محلی تحویل دهند (مواد ۴۶ تا ۴۸). برگزاری مراسم دینی و به‌نمایش گذاشتن تصاویر مذهبی در ساختمانهای دولتی و عمومی ممنوع اعلام شد (مواد ۴۹ و ۳۰). برگزاری مراسم دینی در خیابانها بدون اجازه‌ی قبلی از مقامات شورای محل ممنوع اعلام شد (ماده ۳۱). ماده‌ی ۳۲ تأکید می‌کند که مقامات شورای محل موظفند که کلیه‌ی اشیای توسعین آئین به توده‌های زحمتکشی را که در کلیساها و سایر اماکن عبادت موجود باشند (مثل سنگهای مرمر یا دیود از تزارها)، از این اماکن خارج کنند. و بالاخره در مواد باقیمانده اعلام می‌شود که به دلیل جدا شدن نظام آموزشی (مدرسه) از دین (کلیسا)، هرگونه آموزش دینی در مدارس و موسسات آموزشی دولتی، عمومی و خصوصی ممنوع است.

با منتشر شدن مقررات اجرایی فرمان جدایی دین از دولت، شوراعای کارگران و دهقانان در سراسر روسیه دست به کار شدند تا مفاد این فرمان را به تحقق کنند. اداره‌ی هشتم وزارت دادگستری (و بعدها اداره‌ی پنجم) مسئولیت اجرای فرمان جدایی دین از دولت را به عهده گرفت. این اداره به کمک شوراعای نمایندگان کارگران و دهقانان مصادره کردن اموال و وجوه نقدی کلیسا و سایر مجامع دینی را در سراسر کشور در دست گرفت. البته کلیسا در مقابل این حرکت دولت

شوروی شدیداً به مقابله برخاست که در بخش بعدی آن را بررسی خواهیم کرد.

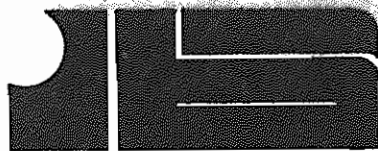
جایگاه دین

در قانون اساسی ژوئیه ۱۹۱۸

در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۸ قانون اساسی دولت شوروی به وسیله‌ی کنگره‌ی پنجم شوراعا به تصویب رسید. در اصول ۱۳ و ۶۵ این قانون اساسی موقعیت دین و مقامات دینی به‌صراحت مشخص می‌شود. در اصل ۱۳ می‌خوانیم: "به منظور تضمین آزادی واقعی وجدان برای توده‌های زحمتکش، کلیسا از دولت و نظام آموزشی (مدرسه) از کلیسا جدا می‌شود؛ و آزادی تبلیغات دینی و ضددینی برای تمام شهروندان به رسمیت شناخته می‌شود." فرمان جدایی دین از دولت بدین ترتیب در قانون اساسی شوروی راه می‌یابد و رسمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین قابل ذکر است که این برای اولین بار بود که "آزادی تبلیغات ضد دینی" در قانون اساسی کشور به رسمیت شناخته می‌شد. لنین به‌خصوص اصرار داشت که این آزادی با صراحت در قانون اساسی ذکر شود. لنین پیشنهاد کمیته‌ی تدوین کننده‌ی قانون اساسی را که در مورد دین به فرمول "دین امر خصوصی شهروندان است" بسنده کرده بود، رد می‌کند و در عوض فرمول "آزادی تبلیغات دینی و ضد دینی" را ارائه می‌دهد. لازم به تذکر است

که کمیسار دادگستری و برخی بلشویکهای منتقد دیگر با فرمولبندی لنین مخالف بودند. آنان اعتقاد داشتند که در قانون اساسی يك دولت پرولتری "آزادی تبلیغات دینی" نباید تضمین شود. لنین در پاسخ اظهار می‌داشت که تعصبات کهن مذهبی در روستاها بسیار قدرتمند است و نمی‌توان به یکباره آنها را نابود کرد. البته بعدها در ۲۲ مه ۱۹۲۹ اصل ۱۳ به شکل زیر تغییر یافت: "آزادی اعتقاد به دین و آزادی تبلیغات ضد دینی برای همه‌ی شهروندان محفوظ است." بدین ترتیب تنها آزادی تبلیغات ضددینی به رسمیت شناخته می‌شود. این فرمول بندی جدید بعدها در اصل ۱۲۴ در قانون اساسی ۱۹۳۶ نیز وارد شد.

اصل ۶۵ قانون اساسی ۱۹۱۸ نیز روحانیون را در کنار سرمایه‌داران، تجاره، افراد سابق پلیس، جانیان، اعضای خانواده‌ی سلطنتی، دیوانگان و جز اینان قرار می‌دهد و از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم می‌کند. این محرومیت بدین دلیل بود که روحانیون در هیچگونه کار تولیدی اشتغال نداشتند و زندگی‌شان از دستمزد ناشی از کار تامین نمی‌شد. نتیجه‌ی این محرومیت آن بود که روحانیون از چیره‌ی غذای کمتری برخوردار بودند و گاهی نیز هیچگونه چیره نمی‌گرفتند. آنان نمی‌توانستند به استخدام دولت درآیند یا عضو اتحادیه‌های کارگری شوند، اجاره‌خانه و مالیات بیشتری می‌پرداختند و خلاصه اینکه، این اصل قانون اساسی ۱۹۱۸



ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بخوانید

متن فرمان جدایی دین از دولت، ۲۳ ژانویه ۱۹۱۸

شوروی روحانیون را از لحاظ اجتماعی در موقعیت پایینی قرار می‌داد. روحانیون همچنین مجبور بودند به خدمت سربازی بروند و همچون سایر شهروندان روسیه برای ساختمان سوسیالیسم کار اجباری انجام دهند. این مقررات برای روحانیون شدیداً زجرآور بود. روحانیون روسیه همچون روحانیون سایر کشورها عیچگاه عادت به کار کردن نداشتند. اجرا شدن این مقررات کلیسا را برچه بیشتر در مقابل دولت قرار می‌داد.

قحطی سال ۱۹۲۱-۲

و مصادره اشیای با ارزش کلیسا

خشکسالی و قحطی سال ۱۹۲۱ جان میلیونها نفر از زحمتکشان روسیه را به خطر انداخته بود. در اوایل سال ۱۹۲۲ قحطی ابعاد وحشتناکی یافته، همه دشمنان از جمله کلیسا منظر سقوط دولت شوروی پرورنده دولت شوروی برای نجات قحطی زدگان می‌بایست کاری انجام دهد. مطبوعات کشور و افکار عمومی به تدریج ضرورت مصادره اشیای گرانبه‌قیمت موجود در کلیساها را مطرح کردند. سرانجام دولت در ۲۳ فوریه ۱۹۲۲ به یک اقدام انقلابی دست زد و با صدور فرمانی تمامی گنجینه‌ها و اشیای گرانبه‌ای (طلا، نقره و سنگهای قیمتی دیگر) کلیساها را ملی کرد. طبق این فرمان به شوراهاى محلی دستور داده شد که ظرف یکماه کلیه اشیای گرانبه‌ها را از کلیساها خارج کرده، در اختیار کمیاریای دارایی قرار دهند تا برای کمک به قحطی زدگان به فروش برسند.^{۱۱} کلیسا شدیداً با این فرمان به مخالفت برخاست و به کتیشها دستور داد که در مقابل اجرای این فرمان ایستادگی کنند. ولی شوراها با تمام قدرت این فرمان را به اجرا

- ۱ - بدین وسیله کلیسا از دولت جدا اعلام می‌شود.
- ۲ - صدور هر گونه قانون یا مقررات محلی در قلمرو جمهوری که آزادی وجدان را محدود یا نقض کند یا اینکه امتیازها و برتریهایی را بر مبنای دین شهروندان به وجود آورد، ممنوع است.
- ۳ - هر شهروندی آزاد است به هر دینی اعتقاد داشته باشد یا به عیچ دینی اعتقاد نداشته باشد. هرگونه محرومیت از حقوق به دلیل اعتقاد به دینی یا عدم اعتقاد به عیچ دینی بدین وسیله ملغی می‌شود.
- تبصره - در اسناد رسمی اشاره به دین شهروندان مجاز نیست.
- ۴ - اعمال دولت و سایر نهادهاى اجتماعى حقوق عمومى، با مراسم

- یا تشریفات دینی همراه نخواهند بود.
- ۵ - انجام آزادانه مراسم دینی در صورتیکه نظم عمومی را مختل نکند و حقوق شهروندان جمهوری شوروی را نقض نکند، مجاز است.
- در چنین مواردی، مقامات محلی حق دارند که برای تامین نظم عمومی و امنیت اقدامات ضروری را به عمل آورند.
- ۶ - کسی نمی‌تواند به دلیل نظریات دین‌اش از انجام وظایف شهروندی سرباز زند. در موارد ویژه دادگاههاى خلن مجاز خواهند بود در صورت جابجایی یک وظیفه با وظیفه‌ی دیگر، در این قانون استثناء فایل شوند.
- ۷ - سوگند دینی ملغی می‌شود. در صورت ضرورت قول رسمی

دیگر بلشویکها را برای مبارزه با دین بررسی خواهیم کرد.

یادداشتها

- ۱ - رجوع شود به کتاب "قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه" (از انتشارات کمیته‌ی خارج از کشور سنفخا)، برنامه‌ی حزب مصوب کنگره‌ی دوم (۱۹۰۳)، ص ۲۹.
 - ۲ - مجموع آثار لنین (به زبان انگلیسی) جلد ۲۶، ص ۲۵۸.
 - 3 - Conquest, R., Religion In The USSR, P 14.
 - 4 - McCauly, M., The Russian Revolution, The Soviet State 1917 - 1921 ; Documents, PP. 191 - 193.
- (من کامل "اعلامیه‌ی حقوق خلقهای روسیه" در این کتاب چاپ شده است.)

در آوردند. به طوریکه در مدت کوتاهی شوراهاى کارگران و دهقانان اقلام زیر را برای کمک به قحطی زدگان از کلیساها خارج کردند: طلا ۴۴۲ کیلوگرم؛ نقره ۲۳۶،۲۲۷ کیلوگرم؛ فلزات قیمتی دیگر ۱،۳۴۵ کیلوگرم؛ الماس ۳۳،۴۵۶ قطعه؛ مروارید ۴۰۴۱۴ کیلوگرم؛ سنگهای قیمتی دیگر ۷۲،۳۸۳ قطعه و ۲۰،۵۹۸ سکه‌ی روبل.^{۱۲}

فرمان مصادره‌ی اشیای گرانبه‌های کلیسا آخرین فرمان مهم ضد دینی دولت شوروی در دوره‌ی مورد بررسی ما (یعنی ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۴) است. مجموعه‌ی فرمانها و قوانینی که بر شمرده‌یم، کلیسای ارتدکس روسیه را چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی واجتماعی به راستی تضعیف کرد. کلیسا دیگر از قدرت سابقش برخوردار نبود و برای مرگ و زندگی‌اش می‌جنگید.

در شماره‌ی بعد جهان روشهای

مجاهدین اسامی فعالان نیروهای دیگر نیز لو می دهند

ما مکررا تاکید کرده ایم که سیاست ضدانقلابی مجاهدین در منتشر کردن اسامی و تصاویر اعضا و عواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به سازمان ما ختم نمی شود، بلکه به تدریج تمامی نیروهای را که برنامه و تاکتیکهای ارتجاعی آنان را نپذیرند دربرخواهد گرفت. به همین دلیل نیز ما معتقدیم که باید این حرکت ارتجاعی به طور گسترده به وسیله تمام نیروهای ایرانی محکوم شود تا مجاهدین نتوانند آشکارا به چنین حرکتیایی دست زنند.

به دنبال یخش اسامی و موقعیت تشکیلاتی برخی از اعضا و عواداران سچفخا از طریق رادیو صدان مجاهد، اخیرا این رادیو طرفداران " آرمان مستضعفین " را تهدید کرد که در صورت نپذیرفتن سیاستهای مجاهدین، اسامی آنان را افشا خواهد کرد. ما برای اطلاع خوانندگان جهان عیس این خبر را که در نشریه " خروش موحد " (ارگان " موحدین انقلابی ") شماره ۴۰ (اردیبهشت ۷۵) درج شده است، نقل می کنیم:

" رادیو صدان مجاهد تهدید کرد اگر طرفداران آرمان مستضعفین در شهر... (شهری بسیار کوچک) به طرح فلان موضوع نسبت به سازمان ادامه دهند، اسامی آنها را افشا خواهد کرد. (افتتاح) در شهری کوچک - حتی طرح این خبرچه معنایی جز لو دادن خواهد داشت"

۱۱ - هرگونه اعانه یا پرداخت اجباری

به نفع کلیسا یا سایر مجامع دینی، و همچنین هرگونه کاربرد زور و یا مجازات به وسیلهی این مجامع علیه پیروانشان ممنوع است.

۱۲ - کلیسا و مجامع دینی حق برخورداری

از اموال را ندارند. آنها از حقوق يك شخص حقوقی برخوردار نیستند.

۱۳ - کلیه اموال کلیسا و مجامع

دینی در روسیه به موجب این فرمان اموال مردم اعلام می شود. اماکن و اشیایی که مخصوصا برای مراسم دینی مورد نیازند، طبق تصمیم خاص مقامات دولتی محلی یا مرکزی به طور رایگان در اختیار مجامع دینی مربوطه قرار داده می شود.

رئیس شورای کمیسارهای خلق، و اولیانوف (النین)

یعنی عربی را فراگیرند.

۱۰ - لازم به یادآوری است که اصل جدایی دین از دولت و نظام آموزشی از دین صریحا در برنامهی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مصوب کنگرهی دوم در ۱۹۰۳ قید شده بود. رجوع شود به منبع ذکر شده در یادداشت ۱، ص ۲۷.

۱۱ - متن کامل این مقررات در منبع ذکر شده در یادداشت ۶، صفحات ۴۰ تا ۴۸، چاپ شده است.

۱۲ - رجوع شود به منبع ذکر شده در یادداشت ۵، ص ۱۵۵. متن کامل قانون اساسی ۱۹۱۸ شوروی در این کتاب چاپ شده است.

۱۳ - همان منبع، ص ۱۶۵.

۱۴ - متن این فرمان در منبع ذکر شده در یادداشت ۷، ص ۸ - ۲۰۷ چاپ شده است.

۱۵ - همان منبع، ص ۲۰۹.

کافی خواهد بود.

۸ - امور مربوط به احوال شخصیة منحصر در اختیار ارگانهای کشوری (غیر مذهبی)، یعنی اداره های ثبت تولد و ازدواج قرار می گیرد.

۹ - نظام آموزشی (مدرسه) بدین وسیله از کلیسا جدا می شود. آموزش دینی در کلیه موسسات آموزشی دولتی، عمومی و خصوصی، که در آنها موضوعات عمومی تدریس می شود، ممنوع است. شهروندان می توانند به طور خصوصی موضوعات دینی تدریس کنند یا فرا بگیرند.

۱۰ - کلیسا و مجامع دینی مشمول قوانین و مقررات مربوط به مجامع خصوصی و اتحادیه ها هستند. از هیچگونه امتیازات ویژه برخوردار نبوده، و از دولت یا نهادهای خودگردان محلی هیچگونه کمک مالی دریافت نمی کنند.

۵ - متن کامل این فرمان در کتاب زیر چاپ شده است:

Akhapkin, Y., First Decrees Of Soviet Power, PP. 60-61

۶ - متن کامل این دو فرمان در کتاب زیر چاپ شده است:

Szczesniak, B., The Russian Revolution And Religion: A Collection Of Documents..., PP. 29 - 33.

7 - Hecker, J.F., Religion And Communism, P. 203.

۸ - ترجمه ی متن کامل این فرمان در پیوست انتهای این مقاله آمده است.

۹ - قانونگذار برای مسلمانان در این مورد استثنایی قایل شد و سن آموزش دینی را برای آنان به ۱۴ سال تقلیل داد. در این مورد چنین استدلال می شد که افراد مسلمان برای آموزش دینی مجبورند که در ابتدا يك زبان خارجی،

راه‌کارگر،

جلوه تمام عیار اپورتونیسیم

منگامی که در فروردین سال ۶۴، کمینه‌ی مرکزی سچفا طی اطلاعیه‌ای فرصت طلبی و بی‌پرنسیپی راه‌کارگر را افتا کرد و به عواداران سازمان رعنمود داد تا نمکاری‌های خود را با این جریان قطع کنند، برخی نیروهای سیاسی این موضع‌گیری سازمان را سکتاریسنی خواندند و به عبث کوشیدند با تحریف وقایع، ورشکستگی سیاسی راه‌کارگر را که به تاکتیک کهنه‌شده‌ی سازمان سازی و جعل کلیشه‌ی کار انجامیده بود، توجیه کنند. در عمان مفتح عواداران سازمان که این سیاست راه‌کارگر را نتیجه‌ی منطقی موضع‌گیریهایی به‌غایت راست و رفرمیستی این جریان و نزدیکی روزافزون آن به جریانهای ضدانقلابی چون حزب نوده و اکثریت می‌دانستند، با برخورد قاطع و سراسری خود با راه‌کارگر، نشان دادند که در دفاع از خط مدافعان استقلال طبقاتی کارگران، جای سازش و مامشات نیست. اکنون پس از گذشت یکسال از آن تاریخ و به دنبال آشکار شدن شاعکارهای راه‌کارگر، چه در موضع‌گیری بیرامون کمیسیون تحقیق اتحادیه‌ی میهنی کردستان، که واقعا مضحکه‌ی خاص و عام است، و چه در پی موضع‌گیریهایی متناقض این جریان و عواداران آن پیرامون جاسوسیها و حرکات پلیسی مجاهدین، اکثر نیروهای سیاسی به حقانیت موضع‌گیری سچفا در سال ۱۳۶۴ واقف شده‌اند.

راه‌کارگر که مدنها است در آرزوی وای گسترش تعداد عواداران خود حاضر است تن به عربی‌پرنسیپی بدهد، از شکست مفتضحانه‌ی سیاست سازمان سازی در سال ۶۳ عبرت نگرفته، اینبار

کوشید با یشتیبانی فعال ولی " بیطرفانه " از رفرمیسنهایی که با نمکاری غیرمستقیم خود او مسبب عولناک‌ترین جنایت تاریخ جنبش کمونیستی ایران شده بودند، یعنی بانند مدنی - شیانی، بار دیگر درعم شکستن سچفا را " مزده " دهند. اما بازهم به رغم تهمتها و تبلیغات گسزنده و صف‌بندی متحد کلیه‌ی نیروهای راست، خط مستقل سچفا قوی‌تر و محکم‌تر از همیشه، موفق شد از این آزمون سرفراز بیرون آید.

به‌جز معدود عناصر راست و شناخته شده‌ای که از مدت‌ها پیش از صفوف رزمنده‌ی عواداران سازمان نصفیه شده بودند، به‌رغم تحیر راه‌کارگر و دیگر محافل ضدفدایی، گویی حمله به رادیوی سازمان، خود وسیله‌ای شد برای تحکیم صفوف عواداران سازمان در خارج از کشور. در برابر شکست مفتضحانه‌ی توطئه‌ی شوم عوامل بورژوازی، این مبلعین پیگیر رویزیونیسیم و سازش، دوران عف‌نشینی فضاقت بار راه‌کارگر آغاز شد.

در پی حرکت پلیسی مجاهدین و افشای نام و موقعیت نشکیلائی برخی از اعضای سچفا، بسیاری از نیروهای سیاسی که به‌ندریج منوجه جوانب مختلف توطئه‌ی شوم جریانهای رفرمیست برعلیه سچفا می‌شدند، با اتحاد با عواداران سازمان و امضای اعلامیه‌هایی برعلیه حرکات پلیسی مجاهدین، موقعیت خود را در صف‌بندی نیروهای انقلابی و ضدانقلابی مشخص می‌کردند. اتحاد و همبستگی این نیروها با عواداران سازمان به مراکز تبلیغ و فعالیت سیاسی در خارج

از کشور رنگ و چهره‌ی تازه‌ای داد. در عایدپارک لندن نیروهای سیاسی با اتحاد یکپارچه‌ی خود در برابر چمفاداری‌ها، عکس‌برداری و حرکات پلیسی مجاهدین ایستادند. در فرانسه، در اکثر شهرهای آلمان در ایتالیا و دانمارک ... اکثر نیروهای سیاسی در برابر این حرکات موضع‌گیری فاطعی کردند. اما راه‌کارگر، به شیوه‌ی عمیشکی سانتیستها، در فبال این مساله‌ی ظاعرا ساده و واضح با موضع‌گیریهایی متناقض در شهرهای مختلف اروپایی به بهترین وجهی ماهیت اپورتونیسیت خود را به نمایش گذاشت.

عواداران راه‌کارگر در لندن امضای خود را به زیر اطلاعیه‌ای آوردند که در آن " حرکات ضددموکراتیک مجاهدین " و "اعلام اسامی و انتشار نام عواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در نشریه‌ی مجاهد شدیداً محکوم " شده است، و در سوئد طی اطلاعیه‌ای دیگر " حمله‌ی مجاهدین به میز کتاب عواداران سچفا " را محکوم می‌کنند. اما در برلن ناگهان کلمه‌ی " جناح کمیده‌ی مرکزی " به اسم سازمان اضافه می‌شود و تازه هفته‌ها پس از یخش این اطلاعیه‌ها، راه‌کارگر نگران از عواقب این سمتگیری " چپ روانه و افراطی " عواداران خود، طی مقاله‌ای تحت عنوان " مردو طرف را محکوم کنیم "، در حقیقت " حادثه سازیهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت (جناح نوکل)) " را مسبب جاسوسیهای مجاهدین ارزیابی می‌کند.

اشتباه است اگر تصور کنیم، معدود عواداران راه‌کارگر در یکی، دوشهر

کمونیسم شورایی

برخی از محققین کمونیسم شورایی Council Communism را یکی از مهم‌ترین جریانهای فکری ضدلنینیسم در دوره‌ی بین دو جنگ جهانی می‌دانند. بسیاری از عقاید این متفکران بر مبنای تجربیات سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳ اتحاد شوروی است. معتمدین به کمونیسم شورایی یا فعالینهای پارلمانی و نریدونیونی مخالف بوده، نقش چندانی به این نهادها در مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر برای رعایی نمی‌دادند. اینان همچنین به نقش حزب - به‌ویژه در مفهوم لنینی آن - به دیده‌ی نزدیک نگریسته، چندی پس از پیروزی بلشویکها و روی کار آمدن دولت کارگری در روسیه رژیم بلشویکی را یکی از اسکال متعدد حکومت بورژوازی نامیدند.

از اندیشمندان مشهور مارکسیست که به کمونیسم شورایی معتقد بودند می‌توان لوکاچ، کارل کورس، یانه‌کوک، لوگزامبورگ و ویلهلم راییش را نام برد. در بین اینان لوکاچ عقایدش را تنها در بخشی از نوشته‌ی دوران جوانی‌اش موسوم به تاریخ و آگاهی طبقاتی ابراز کرد. او در این اثر می‌نویسد:

هر انقلاب کارگری شوراها را کارگری را به نیوهای فوق‌العاده رادیکال و آگاه خلق کرده است. زمانی که این سلاح نا بدان پایه قدرت می‌یابد که به ارگان دولت تبدیل می‌شود، نشانه‌ی این است که آگاهی طبقاتی پرولتاریا در حال پیروزی بر جهان بینی و طرز نگارش بورژوازی و رعبرانش است. شوراها انقلابی کارگران (که نباید با کاریکاتور اپورونیسی آن یکی

شمرده شود) یکی از اشکالی است که آگاهی پرولتاریا از ابتدا به خلق آن دست زده است. این حقیقت که شورا وجود دارد و پیوسته در حال تکامل است بیانگر این است که پرولتاریا بر آستان آگاهی و متعاقبا بر آستانه‌ی پیروزی ایستاده است. شوراها کارگران بیانگر شکست سیاسی و اقتصادی مادیت تفکر^۱ است. در دورانی که پس از دیکتاتوری (پرولتاریا) می‌آید، شورا تجزیه‌ی بورژوازی - قوای مفنه، مجریه و قضایی را از میان برمی‌دارد. در دوران مبارزه برای کنترل، وظایف شورادوگانه‌اند: از جهتی شورا باید بر پراکندگی مکانی و زمانی پرولتاریا فایق آید و از جهتی دیگر باید سنتزی راسنین از اقتصاد و سیاست بیافریند که چیزی جز عمل پرولتری نیست.^۲

کمونیست‌ها شورایی خود را پیروان راستین مارکس در این اندیشه‌که پرولتاریا نخستین طبقه در تاریخ بشری است که می‌تواند به رعایی خویش دست یابد، می‌دانند. به زعم اینان، تولید سرمایه‌داری نیازمند به کارگرانی است که به گونه‌ای عالی سازمان داده شده باشند و این به کارگران توانایی به‌وجود آوردن دگرگونی‌ای ژرف را در تاریخ بشری می‌دهد. برخی از آنان از این حد نیز فراتر رفتند و عنوان کردند که رسیدن به کمونیسم بدون گذشتن از یک دوره‌ی گذار امکان پذیر است. روزا لوگزامبورگ و برخی از مارکسیستهای روسی از جمله آکیموف -

که لنین از او به نام يك اگونومیست یاد می‌کند و مارکسیست انریشی ماکس آدلر به این نظریات گرایش نشان داده‌اند. عمده‌ی معتقدین به کمونیسم شورایی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه برای طرح نظریاتشان الهام گرفته‌اند. به عقیده‌ی اینان شوراها نمونه‌ی اصیل دیکتاتوری پرولتاریا بوده‌اند اما پس از مدتی خود تابع حزب و دولت شوروی شدند و مابینشان قلب گشت. در انتقادشان از بلشویکها، طرفداران کمونیسم شورایی انترناسیونال سوم را دنباله‌رو انترناسیونال دو و عمطراز آن برمی‌شمردند و به‌ویژه این تئوری لنین را که آگاهی طبقاتی از درون طبقه نمی‌جوشد و ضروری است که عنصر آگاه از خارج به‌درون طبقه ببرد، مورد انتقاد شدید آنان بود. طرفداران کمونیسم شورایی بلشویکها را برای ظهور یقیده‌ی فاشیسم نیز مقصر می‌شمردند. به عقیده‌ی اینان بلشویکها به دوطریق به پیدایی فاشیسم خدمت کردند: نخست با شیوه‌ی برخوردشان به مسایلی که بی‌تسامت به رفتار فاشیستها نبود و دیگر از طریق محروم کردن طبقه‌ی کارگر از مبارزه آزاد و خودمختار که سبب ضعیف شدن طبقه درمقابل با فاشیستها شد.

مهم‌ترین چهره‌ای که در بین طرفداران کمونیسم شورایی جلب نظر می‌کند آنتون یانه‌کوک است. یانه‌کوک يك اخبرشناس هلندی بود که در سالهای قبل از ۱۹۱۴ آنچه‌های سرشناس چپ در هلند و آلمان شناخته می‌شد. در سال ۱۹۰۲ به عضویت حزب کارگران سوسیال دموکراتیک درآمد. در سال

کمونیسم شورایی

۱۹۰۷ در انتشار مجله‌ی چپ‌گرای نریبون De Tribune کوشا بود و با دیگر "تریونیست‌ها" در سال ۱۹۰۹ حزب سوسیال دموکرات بلند را بنیاد نهاد. در دوران جنگ جهانی اول از مواضع انترناسیونالیستی دفاع کرد. پانه‌کوک در مبارزه علیه رویزیونیستهای انترناسیونال دو نقش فعالی داشت. او تا سال ۱۹۲۱ با کمینترن همکاری می‌کرد. همزمان با پیگیری دولت شورواها در روسیه او در بین ماورای چپ‌های هلندی فرارگرفت که نظریاتشان در بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم مورد انتقاد شدید لنین فرار گرفت. پانه‌کوک طرفدار عقایدی نظیر اعتصاب عمومی و آگاهی یافتن کارگران از طریق مبارزه و مخالف آن عده از اقتصاددانان مارکسیست بود که به خلاقیت طبقه کارگر اسمیت چندانی نمی‌دادند. او از سیلفریدینک و اتوبوئر به خاطر اینکه معتقد بودند که سرمایه داری توانایی گسترش نامحدودی دارد انتقاد می‌کرد و بر روزا لوگزامبورگ خرده می‌گرفت که درک او از تلاشی نظام سرمایه داری بسیار مکانیکی است. در دهه ۲۰ قرن معاصر بحثهای فراوانی بر سر مدل‌هایی که مارکس برای بازتولید و انباشت سرمایه مطرح کرده بود، در گرفت. این بحثها در پاسخ به نظریات بنریک گروسمن شکل گرفت. گروسمن به حوزه تولید بیش از حوزه توزیع اهمیت می‌داد و معتقد بود که تنزل نرخ سرمایه سبب متوقف شدن انباشت سرمایه می‌شود. پانه‌کوک با این عقاید مخالف بود و می‌گفت که این تئوری طبقه کارگر را چون طبقه‌ای در نظر می‌گیرد که از خود قابلیت ندارد و فقط نسبت به نیروهای اقتصادی عکس‌العمل نشان می‌دهد. او همچنین از کائوتسکی به‌مخاطر آنچه که پانه‌کوک

آنها "رادیکالیسم منفعل" و "تئوری انتظار بدون عمل" و گرایش به خط مرکز می‌نامید، انتقاد می‌کرد. او در مقاله‌ای به نام "عملیات توده‌ای و انقلاب" در باره‌ی کائوتسکی نوشت که کائوتسکی فقط در پی تسخیر قدرت دولتی توسط پرولتاریاست حال آنکه "مبارزه پرولتاریا به‌طور ساده مبارزه‌ای علیه بورژوازی به‌مخاطر تحصیل قدرت دولتی نبوده بلکه مبارزه علیه قدرت دولتی است... مضمون انقلاب پرولتری عبارت است از نابود ساختن حربه‌های نیروی دولت و از میان برداشتن آن به وسیله حربه‌های نیروی پرولتاریا... مبارزه فقط سنگامی موقوف می‌شود که انهدام کامل سازمان دولتی به‌مثابه نتیجه‌ی نهایی آن فرا رسد. سازمان اکثریت برتری خود را بدین‌طریق به ثبوت می‌رساند که سازمان اقلیت حاکمه را نابود می‌سازد."^۲

قسمت عمده‌ای از عقاید پانه‌کوک در سهای تجربیات انصباهای کارگری سلند، بلژیک، آلمان، و روسیه بود. او به فعالیت‌های خودانگیزته و خود سازمان داده شده‌ی طبقه کارگر اهمیت بیشتری از فعالیت‌های پارلمانی و خریدنیونی می‌داد و اینگونه فعالیتها را گمراه کننده تلقی می‌کرد. طبیعی است که از رخدادسای ۱۹۱۷ روسیه خشنود بود و عملکرد شورواها و بلشویکها در آن زمان را مورد تایید فرار می‌داد. اما پس از اینکه بلشویکها مطرح کردند که کمونیستهای غربی باید در فعالیت‌های پارلمانی و خریدنیونی شرکت جویند، پانه‌کوک در ارزیابی خود از بلشویکها تجدیدنظر کرد. در نخستین سالهای پس از انقلاب اکثر، بلشویکها در پی آن بودند که پشتیبانی نهادسای کارگر موجود در غرب را جلب کنند. اما پانه‌کوک عتوان می‌کرد که دولت بلشویکها بر جامعه اعمال دیکتاتوری می‌کند و علاقه‌ی چندانی به پشتیبانی از آنها نشان نمی‌داد. به عقیده‌ی او، دلیل پیدایش چنین

پدیده‌ای را باید در عقب ماندگی اقتصادی روسیه جستجو کرد. این مساله سبب شد که او در این نظریه‌اش که آزادی برای جوامع عقب مانده امکان پذیر است، چنانچه آنان از تجربه‌ی روسیه درس آموزند، تجدیدنظر کند و سوسیالیسم را فقط در غرب پیشرفته‌ی صنعتی امکان پذیر بداند. طبقه‌ی کارگر در شرق و غرب به اشتباه مالکیت عمومی و ملی شدن را با سوسیالیسم یکی پنداشنه است. پانه‌کوک معتقد بود که سوسیالیسم علم نیست بلکه تنها ترجمان جنبش واقعی طبقه کارگر است. به‌عینین، نظریات مربوط به خریدنیونیونها، احزاب سیاسی و دولت، پیوندی ذاتی با سرمایه‌داری دارند که پس از محو سرمایه‌داری، همراه آن به گور خواهند رفت. بنابر این طبقه کارگر برای رسایی خود به سازمانهای جدیدی نیازمند است که از فعالیت‌های طبقه جدا نبوده و از هرگونه کنترل بر جنبه‌های گونه‌گون زندگی اجنماعی جلوگیری به عمل خواهد آورد. به نظر پانه‌کوک این جالب نوجه است که طبقه کارگر هرگاه که در یک موقعیت انقلابی مورد تهدید سرمایه قرار می‌گرفت با برپایی شورواها به دفاع از منافع خویش برمی‌خاست. او حتی تصویری از یک جامعه‌ی کمونیستی رسم کرد که در آن دولت وجود نداشته، امور جامعه از طریق عزم شورواها که شورای کارخانه در راس آن قرار دارد، اداره می‌گردد. او نوشت که "شورواها دولت نیستند یا حتی مرکزی‌ترین آن خاصیت مرکزی ندارد. آنها هیچ شیوه‌ای برای تممیل نظریات و آرزوسای خود به نوده‌ها به‌کار نمی‌گیرند! آنها فاقد هرگونه ارگان قدرت‌اند."^۳ این شورواها جامعه‌ای را سازمان می‌بخشند که در آن توزیع نخست بر اساس میزان کار سر فرد صورت می‌گیرد تا آنکه جامعه به مرحله‌ای دست یازد که مصرف اجتماعی افزون‌تر از مصرف فردی بوده و تولید بر اساس کار داوطلبانه‌ی اعضای جامعه

کمونیسم شورایی

صورت می‌گیرد. در این جامعه است که شعار معروف "از هرکس به اندازه‌ی توانایی‌اش به عرکس به اندازه‌ی نیازش" تحقق می‌یابد.

یک شاعر هلندی به نام عمرن گورت‌نیز از عقاید پانه‌کوک دفاع می‌کرد. گورت‌نیز در سال ۱۹۲۶ حزب کمونیستی ضدبلیشویکی‌ای را پایه‌گذاری کرد و ادعا کرد که تجربه‌ی روسیه با شرایط غرب ناسازگار است. در غرب کارگران به تولید مرکزی گرایش دارند و در نتیجه قادر به سازماندهی مستقیم تولید نیز هستند، حال آنکه کشاورزان گرایش‌های ارتجاعی دارند. در نتیجه نویدی کارگران باید مرکز توجه کمونیست‌ها باشند، به حزب اهمیت چندانی داده نشود و طبقه‌ی کارگر به نیروی خویش تکیه کرده، از "بازی در بساط دیگران" احتراز جوید. این نظریه برای تری‌دیونیون‌ها و اجزاب نقش ارتجاعی قایل است چراکه به قول پانه‌کوک:

اشکال کهن سازماندهی، تری‌دیونیون‌ها و احزاب سیاسی، و شکل نوین سازماندهی، شوراسا، به مراحل مختلف تکامل جامعه تعلق دارند و کارکردهای متفاوتی دارند.

سازماندهی از نوع کهن باید موقعیت طبقه‌ی کارگر را در میان دیگر طبقات در نظام سرمایه‌داری تامین نماید و از آن دوره سرمایه‌داری در مرحله‌ی گسترش می‌باشد. سازماندهی نوع نوین باید کنترل کامل را برای کارگران جهت نابودسازی سرمایه‌داری و تقسیم طبقات کسب نماید و آن دوره‌ی میرایی سرمایه‌داری است.

ویلهلم رایش نیز با پاره‌ای از نظریات پانه‌کوک به‌ویژه در باره‌ی رشد آگاهی طبقانی در سده‌ی جوانب زندگی روزمره موافق بود. رایش اهمیت

فراوانی به زنان و جوانان می‌داد، چراکه آنان بیشتر از دیگر اعضای جامعه تحت فشار قرار دارند و این به آنان توانایی نگرش ژرف‌تر بر مکانیسم اختناق و فشار را اعطا می‌کند. اما او نیز با دیگر طرفداران کمونیسم شورایی در ضدیت با بلیشویکی‌ها و مقصر شمردن آنان برای برسر قدرت آمدن فاشیست‌ها اشتراک نظر داشت.

نظریات طرفداران کمونیسم شورایی برپایه‌ی توانایی طبقه‌ی کارگر به عکس العمل خودبخودی و لحظه‌ای نسبت به مسایل سیاسی دوره‌ی بین دو جنگ استوار بود. اما عقاید آنان با استقبال طبقه‌ی کارگر روبرو نشد و در اواخر دهه‌ی ۳۰ آثار اغلب آنان از جمله پانه‌کوک، کورش و رایش بیشتر معطوف مسایل انتزاعی و به‌دور از نیازهای عاجل مبارزاتی طبقه‌ی کارگر گشت.

یادداشت‌ها

۱ - مادیت‌تفکر اما در برابر reification برگزیده‌ایم. "مادیت تفکر" نقش مهمی در اندیشه‌ی گئورگ لوکاج دارد. معنای این اصطلاح فلسفی خاصیت مادی بخشیدن به ساختمان‌های ذهنی و معتقد گشتن به حیات مستقل برای آنهاست. بنابراین این اصطلاح تا حدودی به فتی‌شیم نزدیک است. اکثر این اصطلاح را در ارجاع به این گرایش در فکر که برای دولت سرمایه‌داری و نهادهای آن جنبه‌ی مادی قایل است و آنها را دارای خاصیت و ماهیتی جدا از روابط اجتماعی می‌پندارد، استفاده می‌شود.

2 - Georg Lukacs, History And Class Consciousness (London, 1971), P.80.

۳ - به نقل از لنین، دولت و انقلاب. منتخب آثار یک جلدی، ص ۵۵۷.

4 - A.Pannekock, Worker's Council (Melbom, 1950), P.52.

5 - A.Pannekock, "General Remarks On The Question Of Organisation," Living Marxism, Vol.4, P.148.

اخبار جنبش دانشجویی

عفنه‌ی حمله مجاهدین به هایدپارک، عواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که بار دیگر از طرف مجاهدین مورد حمله قرار گرفته بودند، مجبور به دفاع از خود شدند و در مقابل تعرض ضدانقلابی مجاهدین با فاطمیت تمام ایستادگی کردند.

آمریکا

سینسیناتی - انجمن دانشجویان ایرانی در سینسیناتی عوادار سچفا در ۲۲ ماه مه ۸۶ به دعوت حزب انقلابی خلق آفریقا در برنامه‌ای به مناسبت روز آزادی آفریقا شرکت کرد.

در این برنامه نیروهای بین‌المللی از آمریکا، آفریقا و آسیا شرکت داشتند. نماینده‌ی انجمن دانشجویان ایرانی عوادار سچفا، طی سخنرانی ضمن تشکر از این حزب برای دعوت، اظهار داشت برای پایان بخشیدن به هرگونه ستم و استثمار و استعمار خواه از انواع کلونیالیسم و یا نئوکلونیالیسم در این مرحله از تاریخ بشریت باید مبارزه‌ی خود را با مبارزه برعلیه سرمایه‌داری جهانی ادغام نماییم. ضمناً وی به مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و تجربه‌ی آنها در سرنگونی رژیم پهلوی اشاره کرد و اظهار داشت ۷ سال سلطه‌ی وحشیانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی به ما نشان داده است، سلطه‌ی سرمایه از عرنوع آن چه از نوع سلطنتی و چه از نوع اسلامی چیزی جز فقر و بدبختی و استثمار برای کارگران به ارمغان نخواهد آورد. تنها راه نجات یک انقلاب اجتماعی به رهبری پرولتاریا است.

مجاهدین

باز هم يك سازمان جعلی می‌سازند

شورا است. ماجرا بدین فرار بود که مجاهدین فورا عنصر بی‌شویی به نام "کوروش البرز" را علم کردند و او را نماینده‌ی شورای متحد چپ معرفی کردند.

خلاصه اینکه سازمان مجاهدین تا به حال هرگاه که اراده کرده است، با وقاحت تمام سازمانهای وابسته به خود را جعل کرده است. اما آخرین شاهکار مجاهدین ساختن سازمانی به نام "کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی" است که با صدور اطلاعیه‌ای حمایت خود را از شورای ملی مقاومت اعلام کرده است. این حرکت مجاهدین که حتی به عم مسلکی‌های خود (پیروان "اسلام راستین") رحم نکرده است، مورد انتقاد طرفداران شریعتی قرار گرفته است. ما برای اطلاع خوانندگان، صفحه‌ی گزینہ‌های این شماره‌ی جهان را به درج اطلاعیه‌ی "دانشجویان ارشاد" که در همین مورد انتشار یافته است، اختصاص می‌دهیم.

کرده است. ولی ماهیت این حرکت خائنانه سریعاً برای همگان روشن شد و مجاهدین در نزد افکار عمومی بی‌آبروتر شدند.

پس از چندی مجاهدین بار دیگر دست به سازمان سازی زدند و این بار پس از خروج "شورای متحد چپ" از "شورای ملی مقاومت" يك شورای متحد چپ جعلی ایجاد کردند. شورای متحد چپ که در دوره‌ی عصیانش در شورا خدمات شایانی به پیشبرد هدفهای ارجاعی مجاهدین کرده بود و سخنگویان آن در جلسات شورا در شهرهای مختلف اروپا مجاهدین را "مشت مال" "دموکراتیک" می‌دادند، پس از خروج از شورا به ناگهان متوجه شدند که هنوز "شورای متحد چپ" دیگری عضو

مساله‌ی "سازمان سازی" آقای رجوی و مجاهدین امروز دیگر معرف خاص و عام است و همگان می‌دانند که این سنت ضدانقلابی را در سالهای اخیر سازمان مجاهدین یابهدگاری کرده است. رهبری این سازمان هرگاه که مناسب تشخیص داد بلافاصله، يك سازمان جعلی پیشنهاد "شورای ملی مقاومت" به وجود آورد. مجاهدین از عمان اول می‌دانستند که طی "شورای ملی مقاومت" شان در صورتی می‌تواند موفقیت به دست آورد که سازمانها و نیروها و شخصیت‌های گوناگونی عضو آن شوند. از این رو در کنار چند نیروی واقعی که به شورا پیوسته بودند، مجاهدین از چپ و راست سازمان درست کردند و آنها را به عضویت شورا درآوردند. که از این میان می‌توان به جمعیت اقامه، استادان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی کشور و جز اینها نام برد. ولی کار "شورای ملی مقاومت" به دلیل ماهیت بورژوازی‌اش و افشای این ماهیت به وسیله‌ی نیروهای انقلابی، به ویژه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، نگرفت و پس از چندی فرایند فروپاشی آن آغاز شد. مجاهدین به ناچار به فکر چاره سازی افتادند. سازمان مجاهدین که با تمام تلاش خود نتوانسته بود سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران را به عضویت شورا درآورد، به حرکت خیانت بار بی‌سابقه‌ای دست زد و عنصر نوکر صفی به نام مهدی سامع را علم کرد و يك سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران پیرو شورا به وجود آورد. این عنصر نوکر صفت تا کنون خدمات قابل توجهی به مجاهدین

شورای ملی مقاومت
شورای ملی مقاومت

هموطنان! نگاه‌ها را زده!
شروه‌های مرفقی و انقلابی!

در پی حملات اخیر ترسناک "سازمان" به پیوستگان راه معلم شهید شریعتی، در چند روز گذشته نشرهای دردی‌های روزنامه "مروزی" تهرانیس گذارده شده است، که با جعل نام "ابلاغ"، ارگسان "کانون ابلاغ" اندیشه‌های شریعتی، "ار-شورای ملی مقاومت" اعلام حمایت نموده است.

"دانشجویان ارشاد"، برای اطلاع عموم از حرمان امر، رساناده‌ای می‌گذرد که:

شی ارشادگروه "مردودر سی بوری و حضا به پانداران رزم جمعی به کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی و دستگیری بسیاری از اعضا و هواداران آن تشکیل "دانشجویان ارشاد" و طبقه اطلاع پیام مفیدتی و سیاسی کانون را سرعیده گرفت و اولس سار ارگان "مصدق در صداوم خط غربت" ارشاد و ابلاغ، ارگان های کانون ابلاغ در اسرا، مستترگشت.
مستسام کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی "در پی سرع به آن، بوجسته‌اند، "هزار جسدی "مبله‌های آماور" ساس و رفگشته غسه ناری تشکیلتی، سزایند ساسو اشعاعه ار ساسا موزم ساسل و سخره ماونه اعتبار نام "ارشاد" و "ابلاغ" (که از سپهر ماه ۸۸۸۸ اخرا داده، ایران انتشار ساسات) در سزولوحه "اوراق حوستی، اسلام و طبقه گسدر
مامس سسلس چسب سسوه‌های سسدل، اشعاعه شده و سسبلسک، سسوه‌دگری، ارتخا و ارتکار به حقون سگلانی و عصب ساموزرمک حوسن مگوی - ساسی، اشعاعه کرده و اعلام سسکسم:
حسای آن ساسنی که در اوج افلاخ سسسه دامن "مامورا" معذور بوجه و با اشعاعه سسب سسود، در سسسه که رنگ با حضا است!

"سرسگون ساسدیکتاتور سسجماری حاکم"
"سرفرارساد دموکراسی شورا سی سسردا"

"دانشجویان ارشاد"
۱۳۴۵ / ۱ / ۲۷